

تأثیر از هم گسیختگی خانوادگی بر خیابانی شدن زنان

تاریخ پذیرش: 1395/02/09

تاریخ دریافت: 1394/10/17

بهرام رنجبر¹، جعفر شرافتی‌پور²

از صفحه 35 تا 58

چکیده

زمینه و هدف: خانواده بنیادی‌ترین و مقدس‌ترین نظام اجتماعی هر جامعه‌ای است که عموماً هسته‌ای حمایتی - عاطفی و مورد اعتماد افراد و محافظی قوی در مقابل فشارها، اضطراب‌ها و خشونت دنیای خارج آنان محسوب می‌شود. این پژوهش به منظور بررسی خیابانی‌شدن زنان، تأثیر نظام و ساختار خانواده را بر این پدیده با اتکاء بر نظریات حوزه انحرافات اجتماعی، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، در قالب فرضیاتی ملهم از این نظریات، مورد آزمون تجربی قرار داده است.

روش‌شناسی: جمعیت آماری تحقیق، زنان خیابانی شهر تهران هستند. داده‌های پیمایش در سال 1385 از سطح شهر و مراکز نگهداری زنان خیابانی جمع‌آوری شده است و داوری در باب فرضیات با استفاده از تکنیک آماری خی‌دو و رگرسیون انجام شده‌اند.

یافته‌ها و نتیجه‌گیری: نتایج پژوهش نشان می‌دهد که گسیختگی خانوادگی با ایجاد فشار و روابط سرکوبگرانه بر روی زنان و دختران، آنان را به ناچار به حاشیه زندگی اجتماعی از جمله رها شدن در خیابان‌ها و تن‌فروشی سوق می‌دهد. همچنین میزان تغییرات سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده با میزان تغییرات خیابانی شدن زنان همراه است.

واژه‌های کلیدی: زن خیابانی، خیابانی شدن، خانواده از هم گسیخته، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی.

1- کارشناس ارشد مدیریت انتظامی، نویسنده مسئول. bahram.ranjbar1343@gmail.com

2- کارشناس ارشد مدیریت انتظامی

خانواده از مهم‌ترین نهادهای اجتماعی و شالوده‌آسای حیات انسانی است که به سبب وظایف سنگین و درخور اهمیت، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر جامعه‌پذیری افراد و بروز رفتارهای اجتماعی آنان به شمار می‌آید. بدیهی است هر تحقیق و پژوهشی که بتواند به افزایش شناخت و بینش اساسی در مورد آسیب‌های درون خانواده منجر شود و به مسئولان و دست‌اندرکاران امور جامعه امکان برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری‌های درست در مورد کاهش این آسیب‌ها بدهد، به طور قطع قابل اتکاء و با اهمیت خواهد بود. این تحقیق نیز با توجه به اهمیت این موضوع انجام پذیرفته و نقطه ثقل خود را شناخت یکی از آسیب‌های اجتماعی جامعه قرار داده است که از یک‌سو از درون خانواده سرچشمه می‌گیرد و از سوی دیگر بنیان خانواده را از درون دچار آشفستگی می‌سازد.

مقاله حاضر با تکیه بر نظریاتی که به آن اشاره خواهد شد و از طریق طرح سؤالات زیر درصدد تحلیل توصیفی و تبیینی پدیده خیابانی‌شدن زنان و دختران است:

- چرا زنان و دختران خیابانی می‌شوند؟
- چه رابطه‌ای بین خانواده از هم‌گسیخته و خیابانی‌شدن زنان این‌گونه خانواده‌ها وجود دارد؟

بیان مسئله

وقتی در جامعه‌ای دگرگونی‌های سریع رخ می‌دهد، تمامی افراد این دگرگونی‌ها را به‌طور یکسان نمی‌پذیرند (روح‌الامینی، 1365: 37). گذار به دنیای مدرن، امکانات و مخاطراتی را پیش‌رو می‌نهد که از مواجهه با آن گریزی نیست. این امکانات و مخاطرات می‌توانند پیامدهای ناخواسته‌ای به همراه آورند و تغییراتی بی‌هنجاری را در خانواده و جامعه ایجاد کنند. آنومی اجتماعی نشان‌گر نوعی اختلال و بی‌هنجاری جمعی است که در آن احساسات فرد با توجه به نظام اجتماعی سنجیده می‌شود. زمانی که توازن اجتماعی وجود ندارد، فرد وسیله‌لازم را برای تنظیم رفتار خود و تطبیق آن با معیارهای اجتماعی دارا نیست و از احساس حمایت و پشتیبانی گروهی نیز محروم است.

در چنین حالتی فرد ممکن است دست به رفتاری نابهنجار زده و در نهایت خود را از عضویت جامعه خلع کند (محسنی تبریزی، 1370: 85).

وضعیت آنومیک و گسیختگی اجتماعی می‌تواند باعث به‌وجود آمدن آشفتگی در سطح نهاد خانواده شود و این آشفتگی به صورت تنش، بی‌تفاوتی و روابط ناسالم در بین اعضای خانواده بروز کند. هرگاه نظارتی که جامعه بر رفتارها و هنجارها دارد ضعیف یا حذف شود، حالت «بی‌هنجاری» به وجود خواهد آمد (ستوده، 1378: 61).

در خانواده‌های از هم گسیخته، زنان نه تنها مورد احترام، حمایت و تشویق قرار نمی‌گیرند و عزت نفس آنان پرورش نمی‌یابد، بلکه با تحقیر، تنبیه و آزارهای روحی، جسمی و جنسی نیز مواجه هستند. خانواده‌های این قبیل دختران و زنان به سبب مشکلات ساختاری، به لحاظ شرایط مادی ناتوان، شرایط فرهنگی پرورش نیافته و به لحاظ اجتماعی، فاقد پیوندهای اجتماعی سالم هستند که این ناتوانی در ایفای کارکردهای مناسب، بستر آسیب‌های متعدد می‌شود.

در دنیای خیابان و فضای عمومی، تمایلات جنسی مردان، عامل دیگری برای تخریب هویت زنان و دختران مطرود از محیط خانواده است و در حالی که تجربه خیابان برای مردان، تجربه‌ای ارضاکنده و سلطه‌مرد به‌عنوان زیربنای اخلاق جنسی و سازگار با قدرت جنسی آنان معنا می‌شود، در مقابل، بروز تمایلات جنسی زنان در خیابان یک خطر بالقوه محسوب می‌شود که جامعه انتظار دارد در یک چارچوب نهادینه و محدود، متبلور شود؛ بنابراین دختر فراری از خانواده، با تمایلات جنسی و آسیب‌شناسی معنا می‌شود و برچسب فردی با مشکلات عاطفی و رفتار منحرف جنسی و زن روسپی می‌یابد (آدلر¹، 1979: 523). در واقع نوع برچسب زنی و لکه‌نگ تا حدودی ناشی از انتظارات جامعه از دختران و پسران، باورهای فرهنگی، فضای جنسیتی² و ناامنی اخلاقی است.

معمولاً از دختران و زنان انتظار می‌رود هم‌نوایی بیشتری با ارزش‌های محیط اجتماعی پیدا کنند و مثلاً با رفتار و پوشش مناسب در محیط اجتماع ظاهر شوند تا از

1 - Adler

2 - در مقابل فضای انسانی که در آن انسانیت فرد نمود می‌یابد تا جنسیت.

تبعات تجاوز به آنان جلوگیری به عمل آید؛ در حالی که پیچیدگی این مسئله در شدیدترین شکل آن یعنی تن‌فروشی، با راه‌کارهای فوق‌مهار نمی‌شود و از طریق تبیین علمی و برخوردهای منطقی با عوامل مؤثر بر آن، می‌توان آن را محدود و کنترل کرد.

مبانی نظری

نظریه‌های سرمایه اجتماعی (کلمن³ و بوردیو⁴)

از دید کلمن، تغییر ساختار خانوادگی (تغییر روابط والد-فرزند، تغییر نقش هدایت‌گرانه والدین، پیوندهای مؤثر و میزان وقت و انرژی والدین در کمک به فرزندان) منجر به تغییر سطوح مختلف سرمایه در دسترس فرزندان می‌شود. در واقع سرمایه اجتماعی از طریق تأثیر متقابل بین منابع ساختاری و کارکردی، درون یک گروه شکل می‌گیرد (کلمن، 1988). برخی از محققان (ریم⁵، 2005) با بررسی آرای کلمن در خصوص خانواده، منابع سه‌گانه ساختاری، فرآیندی و عملکردی درون خانواده را شناسایی کرده‌اند؛

الف) منابع ساختاری به زمینه اجتماعی که تعاملات در آن رخ می‌دهد، اطلاق می‌شود که صورت‌بندی نوع پیوند اعضاء در ارتباط با یکدیگر است و شامل تعداد اعضاء، ترکیب متفاوت والدین و غیره است. از نظر کلمن فقدان منابع ساختاری، در صورت فقدان منابع فرآیندی بر منابع عملکردی فرزندان اثر منفی می‌گذارد (کلمن، 1988؛ دونی⁶، 1995).

ب) منابع فرآیندی شامل تعاملات عمومی خانواده، موضوعات بحث والدین با فرزندان، مطالعه والدین و غیره است. هرچه تعاملات اجتماعی خانواده بیشتر باشد، منابع عملکردی افزایش می‌یابد؛ بر این اساس وجود ساختار مساعد به‌طور طبیعی به سرمایه اجتماعی منجر نمی‌شود، بلکه تسهیل‌کننده تعاملات واقعی است؛ برای مثال خانواده دووالدی لزوماً برتر از خانواده تک‌والدی نیست؛ اما خانواده دووالدی می‌تواند حمایت اجتماعی بیشتری را برای فرزندان فراهم کند، کنترل بیشتری بر آنها داشته باشد و دسترسی آنها را به اطلاعات و منابع بیرون از خانواده بیشتر کند.

3 - Colman

4 - Bourdieu

5 - Rim

6 - Doni

ج) منابع عملکردی شامل هر نوع منابعی می‌شود که دستاورد و برآیند منابع ساختاری و فرآیندی است.

کلمن (1988) با تأکید بر سرمایه اجتماعی در میان اعضای خانواده بر این عقیده بود که تغییرات ساختاری در خانواده، فرصت حضور والدین را از آنان می‌گیرد و از آنجا که زمان، پیش‌نیاز جامعه‌پذیری و انتقال سرمایه اجتماعی است، امکان شکل‌گیری پیوندهای عاطفی پایدار، معقول و اثربخش در بین اعضای خانواده ایجاد نمی‌شود و روابط از حالت تعادل و تدبیر اجتماعی خارج می‌شود و به کاهش سرمایه اجتماعی فرزندان در درون و بیرون خانواده منجر می‌شود؛ بنابراین خیابانی شدن زنان، تابعی از گسیختگی ساختاری خانواده و روابط نامطلوب درون آن است (کلمن، 1988).

بورديو: در نظریه بورديو سرمایه متناسب با میدان آن به شکل سرمایه اقتصادی، سرمایه اجتماعی و سرمایه فرهنگی ظاهر می‌شود. سرمایه اجتماعی می‌تواند ناشی از میدان خانوادگی باشد. به نظر بورديو خانواده می‌تواند تعیین‌کننده‌ترین سرمایه‌گذاری را برای انتقال و بازتولید سرمایه صورت دهد. وی انتقال و اکتساب سرمایه به فرزندان را از طریق وساطت زمان لازم، امکان‌پذیر می‌داند؛ یعنی زمان فراغت از نیاز اقتصادی که خانواده‌ها بتوانند وقت آزاد برای انتقال سرمایه به فرزند را فراهم کنند. بر مبنای نظریه بورديو، فقدان سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی منجر به ایجاد آسیب‌های اجتماعی افراد خانواده می‌شود (تاجبخش، 1384: 156).

نظریات کارکردگرایی ساختاری

دورکیم⁷: بحث تطابق نیازها و امکانات، نقطه شروع تبیین علل کجروی‌ها از نظر دورکیم است. وی با طرح این پیش‌زمینه که نیازها و تمایلات بشر نامحدود هستند، به عدم برآورده شدن این نیازها در جوامع و در میان اقشار مختلف سلسله مراتب اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است که برای غلبه بر توانایی احساسی انسان سیری ناپذیر، نیروهای نظم‌دهنده بیرونی باید وجود داشته باشد؛ در غیر این صورت، دنبال کردن اهداف دست‌نیافتنی، فرد را گرفتار حالت ناخوشایند ناپایداری می‌کند. دورکیم، بحران اقتصادی (چه برای پیشرفت یا کاهش) را یکی از علل مهم کجروی در جامعه می‌داند. او

معتقد است در شرایط اجتماعی پایدار و مستحکم، آرزوها و اهداف انسان‌ها از طریق هنجارها تنظیم می‌شوند و با بروز بحران، هنجارها دچار از هم پاشیدگی می‌شوند که این وضعیت، آرزوهای بی‌قاعده و بی‌حد و حصری را به وجود می‌آورد. از آنجایی که این آرزوهای نامحدود نمی‌توانند اشباع شوند، در نتیجه نوعی نارضایتی اجتماعی دائم را به وجود می‌آورند. این نارضایتی در جریان‌های منفی و با واکنش‌های منفی خود را نشان می‌دهد (خودکشی، قتل، طلاق، فحشا) (کوزر و روزنبرگ⁸، 1383: 421).

پارسونز⁹: عامل اصلی و اولیه اجتماعی شدن را خانواده می‌داند. پارسونز خانواده هسته‌ای را مؤسسه‌ای می‌داند که وظیفه انتقال هنجارها و ارزش‌ها به کودک را به عهده داشته و این ارزش‌ها از طریق نقش‌هایی که والدین در خانواده و جامعه ایفاء می‌کنند، به کودک القاء می‌شود (روزنباوم¹⁰، 1373). به نظر او دو کارکرد اساسی و تقلیل‌ناپذیر خانواده عبارتند از اجتماعی‌کردن اولیه کودکان به طوری که آنان بتوانند حقیقتاً به صورت عضوی از جامعه‌ای درآیند که در آن متولد شده‌اند، دوم تثبیت شخصیت بزرگسالان جمعیت یک کشور (پارسونز، 1955).

ساترلند¹¹: وی شکل‌گیری بنیان اجتماعی جوانان را تحت تأثیر دو پدیده می‌داند؛ یکی فردیت جوان و دیگری ساخت‌های اجتماعی که بر او تأثیر می‌گذارند. در این میان خانواده و گروه همسالان به عنوان مهم‌ترین ساخت‌ها مطرح هستند. «ساترلند» وجود شرایط ذیل را در خانواده در ارتکاب بزه فرزندان مؤثر می‌داند:

- بزه‌کاری افراد خانواده یا فساد اخلاقی و الکلی بودن سایرین؛
- فقدان والدین در اثر فوت، طلاق یا ترک یکدیگر؛
- عدم کنترل فرزندان در اثر غفلت والدین یا علل دیگر؛
- فشارهای اقتصادی نظیر بیکاری، درآمدهای غیرکافی و کارکردن مادران در خارج از منزل (خاکپور، 1354: 294).

8- Kuzaran & Rosenberg

9 - Parsons

10 - Rosenbaum

11 - Suterland

برت¹²: از نظر «برت» عدم رعایت قیود خانوادگی جزء مهم‌ترین عوامل بزه‌کاری محسوب می‌شود. تأثیر این عامل در افراد بزه‌کار چندین برابر افراد معمولی است. بی‌تفاوتی، بی‌توجهی به نظم خانواده، عدم رعایت نظم در خانواده (به لحاظ غیبت والدین یا سرپرست اطفال یا اشتغال والدین به کار)، سخت‌گیری زیاد، نظم شدید و عدم توافق والدین برای مراقبت از اطفال، ممکن است با عواقب ناگواری همراه باشد (خاکپور، 1354: 385).

ویلیام گود¹³: وی معتقد است که خانواده کانون و هسته اصلی تشکل اجتماعی و به عنوان یک نظام کوچک اجتماعی است که زیربنای جامعه بزرگ‌تری را فراهم می‌کند و هنجارها و ارزش‌های حاکم بر آن بر اعضای آن تأثیر قطعی دارند (محسنی، 1383: 68). به نظر گود هنگامی که یک یا چند تن از اعضای خانواده نتوانند وظایف و نقش‌های خود را به شکل شایسته‌ای انجام دهند، از هم گسیختگی خانواده حاصل خواهد شد (گود، 1352: 249). در واقع از نظر گود، خانواده از هم گسیخته و شرایط حاکم بر آن، زمینه و بستر مناسبی برای انحراف و کجروی اعضای آن است (پروین، 1386: 94).

اگنیو¹⁴: اگنیو در تبیین انحرافات و کجروی‌های اجتماعی به فشارهای اجتماعی اشاره می‌کند و معتقد است که سه منشأ کلی فشار وجود دارد:

- عدم موفقیت در دستیابی به اهداف با ارزش از نظر اجتماع؛
 - حذف وقایع با ارزش از نظر اجتماعی مثلاً از دست دادن نزدیکان، طلاق پدر و مادر، اخراج از شغل یا اخراج از مدرسه؛
 - تجربه وقایع منفی از نظر ارزش‌های اجتماعی که شامل تجربیاتی مانند سوء استفاده جنسی از کودکان، قربانی واقع شدن در یک واقعه جنایی، تنبیه لفظی یا جسمانی.
- اگنیو معتقد است که این فشارها تمایل به کج رفتاری را در فرد ایجاد می‌کند (ممتاز، 1381: 77).

12 - Barrett

13 - Goode

14 - Agnew

پیشینه تحقیق

یافته‌های سوری (1383: 29) نشان می‌دهد که 100 درصد دختران فراری در ایران در منزل مورد خشونت واقع شده و توسط اولاد ذکور یا پدران خود تنبیه بدنی شده‌اند. تحلیل محتوای تحقیقات انجام شده در خصوص دختران فراری دلالت بر آن دارد که 30/6 درصد از دختران به دلیل خانواده‌های نابسامان و 5/6 درصد نیز به دلیل آزارهای خانوادگی از خانه گریخته‌اند (بیات، 1387: 109).

یافته‌های تحقیق علیایی‌زند (1381) که عمدتاً متوجه درون خانه و خانواده است، نشان می‌دهد 37/5 درصد از زنان روسپی، بدون حضور مشترک پدر و مادر، دوران کودکی و نوجوانی را آغاز کرده‌اند. 44/2 درصد از روسپیان، از نظر خانواده خود را کم ارزش عنوان کرده‌اند و 22/5 درصد از زنان روسپی، در کودکی و نوجوانی، قربانی سوء استفاده جنسی شده‌اند و 11 درصد توسط نزدیکان و خانواده خود قربانی تجاوز شده‌اند.

نتیجه تحقیق صدیق سروستانی (1372) در طول 5 سال بر روی 650 نفر از زنان و دختران تحت پوشش سازمان بهزیستی (در دو مرکز شفق و امیدوار) بیانگر آن است که 54/1 درصد از افرادی که مرتکب فرار از منزل شده‌اند، علت این کار را مشکلات درون خانواده عنوان کرده‌اند.

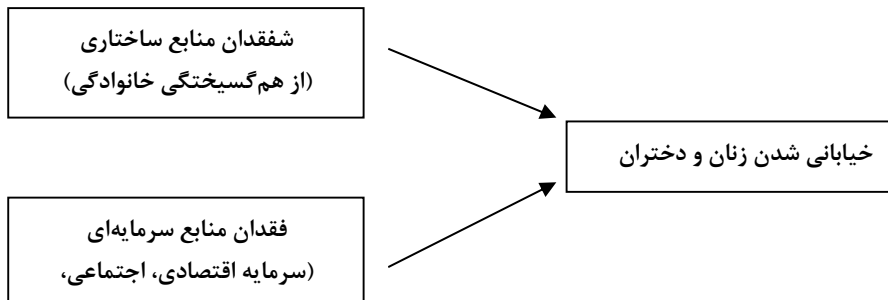
والنو¹⁵ طی یک تحقیق در مورد 424 نفر از روسپیان شهر بارنول (واقع در روسیه) از مشکلات مالی، اعتیاد و سخت‌گیری والدین به عنوان مهم‌ترین مشکلاتی که روسپیان با آن روبرو بوده‌اند، یاد کرده است.

مدل مفهومی تحقیق

در جمع‌بندی نظریه‌ها می‌توان گفت در چارچوب نظریات جامعه‌پذیری فرزندان، نوع روابط و گرایش به دیگران تابعی از الگوهای تربیتی و فرآیند جامعه‌پذیری فرد در خانواده است که در سال‌های نخست کسب می‌شوند. در چارچوب نظریه‌های سرمایه می‌توان گفت خانواده مهم‌ترین منبع تولید سرمایه برای تأمین نیازهای روحی و مادی فرزندان محسوب می‌شود و سه نوع سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی خانواده به

عنوان منابع مورد نیاز افراد در نوع و میزان انحراف فرزندان مؤثر واقع می‌شود. در چارچوب نظریه‌های جرم و انحراف گود، برت، اگنیو و ساترلند، از هم گسیختگی خانواده از طریق ایجاد فشار بر روی افراد، تمایل به انحراف را در فرزندان افزایش می‌دهد.

با الهام از نظریه‌های موجود و تبیین تئوریک خیابانی شدن زنان و دختران شهر تهران، ساختار منطقی دستگاه نظری مقاله حاضر به صورت زیر خواهد بود:



نمودار 1: مدل مفهومی تحقیق

فرضیه‌های تحقیق

حال بر مبنای مدل، می‌توان فرضیه‌های تحقیق را به صورت زیر مطرح کرد:

- 1- بین از هم گسیختگی خانواده و خیابانی شدن دختران رابطه مستقیم وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر میزان از هم‌گسیختگی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن دختران افزایش می‌یابد.
- 2- بین سرمایه اقتصادی خانواده و خیابانی شدن دختران رابطه معکوس وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر میزان سرمایه اقتصادی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن کاهش می‌یابد.
- 3- بین سرمایه اجتماعی خانواده و خیابانی شدن دختران رابطه معکوس وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر میزان سرمایه اجتماعی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن کاهش می‌یابد.

4- بین سرمایه فرهنگی خانواده و خیابانی شدن دختران رابطه معکوس وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر میزان سرمایه فرهنگی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن کاهش می‌یابد.

روش‌شناسی تحقیق

با توجه به ماهیت موضوع، هدف‌ها و فرض‌های تحقیق، این تحقیق از نوع کاربردی است و برای انجام آن از روش تحقیق زمینه‌ای¹⁶ استفاده شده است؛ زیرا در این روش، درک جامع و عمیق محقق از چگونگی استنباط پدیده‌ها در یک واحد، منظور نظر است که در بخش حاضر چنین مقوله‌ای خواسته محقق است (نادری، 1389: 31). جامعه آماری در این تحقیق، زنان خیابانی شهر تهران هستند. در دوره جمع‌آوری اطلاعات بعضی از این زنان در مراکز بازپروری و مراکز مداخله در بحران وابسته به سازمان بهزیستی نگهداری می‌شدند و تعداد زیادی از آنها در سطح شهر و خیابان‌ها حضور داشتند؛ بنابراین عمل نمونه‌گیری به دو روش انجام شده است. نیمی از افراد نمونه، در سطح شهر به روش اتفاقی انتخاب شده‌اند و زنان خیابانی که در مراکز مداخله در بحران نگهداری می‌شدند، به روش تصادفی انتخاب شده‌اند. حجم نمونه تحقیق نیز 150 نفر بوده است.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات، پرسش‌نامه خودساخته بوده است. سؤال‌های تحقیق، مسبوق به پایه‌های نظری تحقیق بوده‌اند و به منظور سنجش اعتبار پرسش‌نامه از اعتبار صوری و به‌منظور تحلیل روایی سؤال‌ها از روش آزمون «آلفای کرونباخ» استفاده شده است که در این پژوهش بین 0/70 تا 0/75 در نوسان بوده است.

فرضیه‌های استنتاج شده از دستگاه نظری تحقیق دارای تعدادی مفاهیم اصلی بودند که هرکدام از این مفاهیم از لحاظ نظری تعریف شدند. در این تحقیق، مفاهیم اصلی فرضیه‌ها زنان خیابانی، از هم گسیختگی خانواده، سرمایه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی است.

در بخش توصیفی برای استخراج داده‌ها، شاخص‌سازی از طریق درصد میانگین‌ها انجام گرفته است. در قسمت تبیینی شاخص‌سازی از طریق جمع میانگین‌ها انجام شده

است. پس از اتمام مرحله جمع‌آوری داده‌ها و انجام تحقیق، کلیه اطلاعات لازم مورد بازبینی قرار گرفته و پس از ساختن دفترچه کد بر اساس سطوح اندازه‌گیری، متغیرها و گویه‌های مورد نظر کدگذاری و استخراج شد. در مرحله بعد کلیه اطلاعات به رایانه منتقل شد و تغییرات لازم برای شاخص‌سازی صورت گرفت. سپس برای پردازش و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار spss 11/5 و excel استفاده شد.

یافته‌های تحقیق

الف) یافته‌های توصیفی

جدول شماره دو توزیع داده‌های تجربی زنان خیابانی را بر حسب سن نشان می‌دهد. بر اساس شواهد، در حجم نمونه تحقیق ($N=150$) میانگین سن زنان خیابانی 24 سال و بیشترین تکرار 19 سال است.

جدول شماره (1): توزیع سن پاسخ‌گویان

درصد	فراوانی	سن
40/7	61	20-15
32/7	49	26-21
12	18	32-27
12/7	16	37-33
1/9	6	38 و بالاتر
100	150	جمع کل

فقدان منابع ساختاری

گسیختگی خانوادگی: جدول شماره سه داده‌های تجربی گسیختگی خانواده را نشان می‌دهد. در مورد بررسی میزان گسستگی یا پایداری والدین زنان خیابانی، تنها 40/7 درصد از افراد نمونه اعلام کرده‌اند که پدر و مادرشان با یکدیگر زندگی می‌کنند و والدین مابقی آنها یا در قید حیات نیستند یا از یکدیگر جدا شده‌اند.

جدول شماره (2): گسستگی خانوادگی

درصد	فراوانی	ردیف
40/7	61	با یکدیگر زندگی می‌کنند
4	6	شهید شده‌اند
29/3	44	فوت کرده‌اند
6	9	مدت‌ها جدا از هم زندگی کرده‌اند
18	27	با یکدیگر متارکه کرده‌اند
2	3	اطلاعی ندارم
100	150	مجموع

با توجه به اینکه خانواده در سنین مذکور باید کارکردهای بنیانگذاری عاطفی افراد، انتقال ارزش‌ها و هویت‌بخشی به فرزندان را دارا باشد، از هم‌گسستگی آن می‌تواند اثرات زیانباری بر فرزندان و آسیب‌پذیری آنان داشته باشد.

تعداد فرزندان خانواده

جدول شماره (3): تعداد فرزندان

کمتر از 5 فرزند	بیشتر از 5 فرزند
41/66	64/33

شواهد جدول شماره چهار دلالت بر آن دارد که توزیع خانواده‌های پاسخ‌گویان و تعداد فرزندان آنها به‌گونه‌ای است که 6/34 درصد آنان در خانواده‌های با بیش از 5 فرزند زندگی کرده‌اند و طبیعی است هرچه تعداد فرزندان خانواده بیشتر باشد، امکان بهره‌مندی فرزندان از منابع کمتر شده و بنابراین تأثیر منفی بر فرزندان خواهد داشت.

سرمایه اجتماعی خانواده

شواهد مندرج در جدول شماره پنج نشان می‌دهد که 4/74 درصد پاسخ‌گویان فضای مؤثر و سازنده‌ای از خانواده و والدین نداشته‌اند.

جدول شماره (4): سرمایه اجتماعی خانواده

گفتارها	اصلاً/خیلی کم /کم	متوسط	زیاد / خیلی زیاد/کاملاً
احساس نزدیکی به مادر	62	23/2	14/8
احساس نزدیکی به پدر	73/5	18/4	8
وجود ارتباط صمیمی بین اعضای خانواده	75	18/6	0/7
میزان پایبندی پدر و مادر به مسائل اعتقادی و مذهبی	30	34	36
تأثیر دارایی و اموال در برطرف کردن نیازهای مالی	55/1	20/3	24/57
میزان تأمین نیازهای خانواده از طریق درآمد والدین	69/8	18/79	11
میزان اعتبار به سبب سواد والدین	79	13/5	7/4
مناسب بودن فضای خانه	68	17/33	14/66
مورد توجه و احترام اعضای خانواده قرار داشتن	77/2	16/1	6/7
نظارت و کنترل بر روی رفتار	28/9	19/46	51/67
شاخص سرمایه اجتماعی خانواده	64/74	20	17/55

سرمایه اقتصادی

نوع منزل مسکونی: با توجه به یافته جدول شماره شش، از حیث نوع منزل مسکونی کمتر از نیمی از افراد نمونه خانه شخصی داشته‌اند و مابقی اشکال دیگر سکونت را تجربه کرده‌اند.

جدول شماره (5): نوع منزل مسکونی والدین

نوع منزل	فراوانی	درصد	نوع منزل	فراوانی	درصد
شخصی	68	45/33	منزل سرایداری	10	6/66
سازمانی	3	2	اتاق یا منزل اقوام	19	12/66
رهن، اجاره‌ای	43	28/66			

شغل والدین: شواهد تجربی جدول شماره هفت دلالت بر آن دارد که پدران زنان خیابانی، بیشتر به منظور کسب درآمد و اداره امور معاش زندگی خود، مجبور به گسست اجباری از خانواده می‌باشند؛ بنابراین ساختار خانواده آنها، ناقص و گسسته محسوب می‌شود.

جدول شماره (6): شغل پدر

درصد	نوع شغل
39/13	مشاغل کارگری
24	کسبه / راننده
12/32	مشاغل اداری
11/6	بیکار
5	مشاغل مالی / تجاری
1/45	مشاغل مدیریتی
6/5	سایر

سرمایه فرهنگی

تحصیلات والدین: جدول شماره هشت نشان می‌دهد که اکثر والدین زنان خیابانی، بی‌سواد، کم‌سواد و فاقد تحصیلات دانشگاهی هستند.

جدول شماره (7): میزان تحصیلات والدین

درصد مادر / نامادری	درصد پدر / ناپدری	میزان تحصیلات
49/3	42/25	بی‌سواد
22/25	9/85	ابتدایی
9	19/7	راهنمایی
2/1	2/8	دبیرستان
7/65	15/5	دیپلم
9/7	9/9	دانشگاهی

استفاده از کالاهای فرهنگی، کسب مهارت و دارا بودن اوقات فراغت: شواهد جدول شماره نه دلالت بر آن دارد که پاسخ‌گویان فاقد منابع سرمایه فرهنگی بوده‌اند که شدیداً با داشتن منابع سرمایه اقتصادی عجین است؛ بنابراین توجه به این امر که مهیا شدن امکانات فرهنگی و امکان رشد مهارت‌های افراد حتی در شرایط نابسامانی خانواده، امکان دارد فرد را به کار شرافتمندانه سوق دهد، قابل توجه است.

جدول شماره (8): استفاده از کالاهای فرهنگی، کسب مهارت و دارا بودن اوقات فراغت توسط پاسخ‌گویان

گفتارها	اصلاً/خیلی کم کم	متوسط	زیاد/خیلی زیاد/کاملاً
مسافرت سالانه	80/86	16	4
رفتن به سینما، موزه، مراکز تفریحی - ورزشی	87/24	11/4	1/3
رفتن به مهمانی‌هایی که مستلزم بردن هدیه هستند	74/5	19/46	0/67

گفتارها	اصلاً/خیلی کم کم	متوسط	زیاد/خیلی زیاد/کاملاً
خرید کتاب‌های غیردرسی	89	7/4	3/4
حضور در کلاس آموزش خیاطی، گلدوزی، گل‌آرایی و	80/66	13/33	6

خیابانی شدن و انحرافات جنسی

بر اساس جدول شماره ده پیوندهای ارتباطی خانوادگی و همسایگی این افراد، سوی تاریک سرمایه اجتماعی را نشان می‌دهد و فضای ارتباطی خانواده، فضای همسایگی و فضای دوستی این افراد غالباً منفی، تخریب‌کننده و در جهت مخالف مبانی شرعی، عرفی و هنجاری بوده است.

جدول شماره (9): توزیع درصدی اولین تجربه جنسی از طریق تجاوز

افراد متجاوز	درصد
دوست پسر	37/4
ناشناس	26/1
آشنایان و همسایگان	20
خویشاوندان و اقوام	16/3

جدول شماره یازده نشان می‌دهد که غالباً زنان خیابانی، اولین مورد تجاوز به عنف و اغفال و فریب را در سنین نوجوانی تجربه کرده‌اند.

جدول شماره (10): درصد سن پاسخ‌گویان در هنگام اولین تجربه تجاوز به عنف

10 تا 15 سال	17 تا 20 سال	21 تا 24 سال
62/3	23	5/1

جدول شماره دوازده دلالت بر آن دارد که این افراد از همان سنین نوجوانی و جوانی به فعالیت روسپی‌گری وارد شده‌اند که این امر نشان‌دهنده غیبت کامل خانواده در زندگی این افراد است.

جدول شماره (11): سن شروع خیابانی شدن

درصد سن فعالیت خیابانی			
زیر 20 سال		بالای 20 سال	
83		17	
درصد سن شروع روسپی‌گری			
زیر 15 سال	16 تا 20 سال	21 تا 25 سال	26 سال به بالا
47	58	36/33	31/66

یافته‌های استنباطی

رابطه نوع شغل پدر با اولین تماس یا تجربه جنسی: یافته مذکور دلالت بر آن دارد که بیشترین میزان زنان خیابانی متعلق به خانواده‌هایی است که پدرانشان بیکار یا در مشاغل کارگری، کسبگی و رانندگی بوده‌اند. در واقع از چند زاویه می‌توان این موضوع را مورد بررسی قرار داد. مشاغلی چون کارگری و رانندگی که مستلزم دوری از خانواده و حضور گاه‌به‌گاه و کوتاه‌مدت این افراد در خانواده است، منجر به ایجاد نوعی خانواده ناقص و گسسته شده و از طرفی به دلیل وجود فقر اقتصادی و فرهنگی، ناآگاهی مادران و بی‌منزلی پدران بیکار، فرزندان این افراد نیز در معرض چنین آسیبی قرار دارند.

جدول شماره (12): رابطه نوع شغل پدر با اولین انحراف جنسی

اولین تجربه جنسی از طریق تجاوز و اغفال	کنجکاو و رضایت طرفینی	در چارچوب ازدواج	جمع کل درصد فعالیت جنسی در مورد هر شغل	نوع شغل پدر
1/44	-	-	1/44	مشاغل مدیریتی
1/45	-	-	1/45	معلم
0/7	2/89	-	3/62	فعالیت تجاری
0/72	-	0/72	1/45	مشاغل مالی
2/17	1/45	1/45	5/1	کارمند
7/97	5/07	3/6	16/7	کسبه
0/7	0/7	-	1/4	فعالیت هنری
20/3	3/6	9/4	33/33	کارگر
4/35	-	1/4	5/75	سرایدار
0/7	1/4	2/89	7	کشاورز
-	0/7	-	0/7	دندانپزشک
2/17	-	0/7	2/89	مهندس
2/17	3/6	1/44	7/21	راننده
9/4	2/17	-	11/59	بیکار
55,07247	21/	21,7391		جمع کل اولین نوع رابطه زنان

فرضیه 1: بررسی رابطه بین زمان گسستگی خانواده با خیابانی شدن فرزندان دختر.

میزان تغییرات گسیختگی خانواده با میزان تغییرات خیابانی شدن دختران همراه است. به گونه‌ای که اگر میزان گسیختگی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن دختران افزایش می‌یابد. این فرضیه را بر مبنای تحلیل رگرسیونی مورد داوری قرار داده‌ایم. همان‌طور که مشاهده می‌شود به ازای یک واحد تغییر در متغیر میزان گسیختگی خانواده، میزان خیابانی شدن دختران به اندازه 0/49 افزایش می‌یابد. مقدار عرض از مبدأ در شرایطی که شیب خط وجود ندارد به اندازه 5/88- است.

$$y = -5/88 + 0/49x \quad (\text{گسیختگی خانواده})$$

در این قسمت برای تحلیل تجربی داده‌ها با استفاده از تکنیک رگرسیون میزان رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته در فرضیه اول مشخص می‌شود.

جدول شماره (13): تحلیل رگرسیونی فرضیه

میزان ضریب همبستگی	میزان تبیین رابطه دو متغیر	سطح معنی داری	مقدار ثابت	رگرسیون	
				ضریب استاندارد نشده	ضریب استاندارد
0/40	0/16	0/000	-5/88	0/49	0/40

نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون نشان می‌دهد که ضریب همبستگی گسیختگی خانواده با خیابانی شدن دختران این گونه خانواده‌ها، معادل 0/40 است و از صد درصد کل عوامل مؤثر بر تغییرات خیابانی شدن فرزندان، گسیختگی خانواده به اندازه 16 درصد کل تغییرات را تبیین می‌کند که از اهمیت بسیار بالای آن در جمع سایر عوامل، حکایت دارد.

رابطه بین سن شروع گسستگی خانوادگی و خیابانی شدن

بررسی میزان رابطه میان سن شروع گسستگی در خانواده به عنوان متغیر مستقل و خیابانی شدن به عنوان متغیر وابسته از طریق انجام تحلیل دو متغیره و آزمون فرضیه‌های تحقیق نتایج زیر را آشکار می‌سازد:

17- لازم به ذکر است به دلیل داده‌های مفقوده در مورد برخی از متغیرها، به منظور آزمون فرضیه از آماره‌های ناپارامتری (خی دو) استفاده شده است. همچنین شاخص‌سازی در مورد متغیر سرمایه اقتصادی صورت نگرفته که دلیل آن از دست رفتن معناداری رابطه متغیر مذکور در صورت compute با متغیر وابسته می‌باشد.

جدول شماره (14): تحلیل دو متغیره

ردیف	سن اولین تجربه جنسی نامشروع	سن شروع فعالیت جنسی	سن شروع فعالیت خیابانی شدن	شدت خیابانی شدن
ضریب همبستگی	0/31	41	/39	-0/39
سطح معنی داری	0/011	0/000	0/000	0/001

- بین سن شروع گسستگی خانواده زنان خیابانی و سن اولین تجربه جنسی نامشروع رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه سن فرد در زمان گسسته شدن روابط خانوادگی خود کمتر باشد، سن اولین تجربه جنسی نامشروع وی نیز کمتر خواهد بود و برعکس.

- بین سن شروع گسستگی خانواده زنان خیابانی و سن شروع روسپی‌گری رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه سن فرد در زمان گسسته شدن روابط خانوادگی خود کمتر باشد، سن شروع فعالیت جنسی وی نیز کمتر خواهد بود و برعکس.

- بین سن شروع گسستگی خانواده زنان خیابانی و سن شروع فعالیت خیابانی رابطه مستقیمی وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه سن فرد در زمان گسسته شدن روابط خانوادگی خود کمتر باشد، سن شروع فعالیت جنسی وی در خیابان نیز کمتر خواهد بود و برعکس.

- بین سن شروع گسستگی خانواده زنان خیابانی و شدت خیابانی شدن زنان رابطه معکوس وجود دارد؛ به عبارت دیگر هر چه سن فرد در زمان گسسته شدن روابط خانوادگی خود کمتر باشد، شدت خیابانی شدن وی بیشتر خواهد بود و برعکس.

فرضیه 2: بررسی رابطه بین سرمایه اقتصادی (نوع شغل / نوع منزل مسکونی) والدین و خیابانی شدن دختران

1- بین نوع شغل پدران با آسیب جنسی دختران رابطه معناداری وجود دارد.

جدول شماره (15) خی دو: رابطه بین نوع شغل پدر با آسیب‌پذیری جنسی دختران

سطح معنی‌داری تفاوت نسبت‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	خی دو
0/008	56	(a)84/948	نسبت درست نمایی
0/005	56	78/100	

کای‌سکور به‌دست آمده با درجه آزادی 56 (1- تعداد سطر) (1- تعداد ستون) در سطح 0/05 معنی‌دار است و این امر نشان می‌دهد که فرض وجود تفاوت در میان انحراف جنسی دختران از لحاظ شغل پدر را می‌توان پذیرفت¹⁸.

2- رابطه بین نوع منزل مسکونی به لحاظ مالکیت و اولین رابطه جنسی نامشروع دختران.

کای‌سکور به‌دست آمده با درجه آزادی 24 (1- تعداد سطر) (1- تعداد ستون) در سطح 0/01 معنی‌دار است و این امر نشان می‌دهد که فرض وجود تفاوت در اولین رابطه جنسی نامشروع از لحاظ نوع منزل مسکونی را می‌توان پذیرفت.

جدول شماره (16) خی دو: رابطه بین نوع منزل مسکونی و اولین رابطه جنسی نامشروع

سطح معنی‌داری تفاوت نسبت‌ها	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	خی دو
0/003	24	(a)47/651	نسبت درست نمایی
0/000	24	48/556	

فرضیه 3: بررسی رابطه بین سرمایه اجتماعی خانواده و خیابانی شدن دختران.

بین سرمایه اجتماعی خانواده و خیابانی شدن دختران آنها، رابطه وجود دارد. به‌گونه‌ای که اگر میزان سرمایه اجتماعی خانواده افزایش یابد، میزان احتمال خیابانی شدن کاهش می‌یابد. همان‌طور که مشاهده می‌شود به ازای یک واحد تغییر در متغیر سرمایه اجتماعی خانواده، میزان احتمال خیابانی شدن دختران آنها، به اندازه 0/56 کاهش می‌یابد. همچنین ضریب همبستگی بین سرمایه اجتماعی خانواده و خیابانی شدن دختران، 0/56 است و سهم این متغیر در تبیین خیابانی شدن دختران این‌گونه خانواده‌ها، از 100 درصد کل واریانس به اندازه 0/318 است. یعنی تقریباً 32 درصد از تغییرات متغیر وابسته تابع سرمایه اجتماعی خانواده است.

1- همان‌طور که مشاهده می‌شود به دلیل بالا بودن داده‌های مفقوده (فاقد پاسخ) و مشکلات ناشی از آن نظیر نرمال نبودن داده‌ها، از آزمون‌های پارامتری در آزمون فرضیه استفاده شده است؛ بنابراین فرضیه از حالت نامتقارن اگر... آنگاه خارج می‌شود و به رابطه متقارن بین... و... رابطه معنادار وجود دارد تغییر می‌یابد.

(سرمايه اجتماعى خانواده) $y = 0/02 - 0/56x$ (ميزان خيابانى شدن زنان و دختران)

جدول شماره (17): تحليل رگرسيونى فرضيه

ميزان ضريب همبستگى	ميزان تبیین رابطه دو متغير	سطح معنی داری	مقدار ثابت	رگرسيون	
				ضريب استاندارد نشده	ضريب استاندارد
0/56	0/32	0/000	0/02	-0/56	-0/318

فرضيه 4: برسى رابطه بين سرمايه فرهنگى خانواده و خيابانى شدن دختران.

بين سرمايه فرهنگى خانواده (تحصيلات والدين) و خيابانى شدن دختران آنها، رابطه وجود دارد. به گونه اى که اگر ميزان سرمايه فرهنگى خانواده افزايش يابد، ميزان احتمال خيابانى شدن کاهش مى يابد. اين فرضيه را بر ميناى تحليل رگرسيونى مورد داورى قرار داده ايم. همان طور که مشاهده مى شود به ازاي يک واحد تغيير در متغير ميزان سرمايه فرهنگى خانواده، ميزان خيابانى شدن زنان و دختران به اندازه 0/21 کاهش مى يابد.

(ميزان سرمايه فرهنگى خانواده) $y = 0/64 - 0/11x$ (ميزان خيابانى شدن زنان و دختران)

در اين قسمت براى تحليل تجربى داده ها با استفاده از تکنیک رگرسيون، ميزان رابطه بين متغيرهاى مستقل و وابسته در فرضيه 4 مشخص مى شود.

جدول شماره (18): تحليل رگرسيونى فرضيه

ميزان ضريب همبستگى	ميزان تبیین رابطه دو متغير	سطح معنی داری	مقدار ثابت	رگرسيون	
				ضريب استاندارد نشده	ضريب استاندارد
0/21	0/44	0/000	0/64	-0/11	-0/21

نتايج حاصل از تحليل رگرسيون نشان مى دهد که ضريب همبستگى تحصيلات پدر/ناپدرى با خيابانى شدن زنان و دخترانشان، معادل 0/21- است¹⁹.

1- نقد پژوهش: اگرچه ميزان R2 مذکور به لحاظ جامعه شناختى مطلوب مى باشد؛ اما پايين بودن مقدارى آن به لحاظ اهميت نظرى اين متغير را مى توان به عوامل زير مرتبط دانست: عدم کفايت تعداد گويه هاى شاخص سرمايه فرهنگى، مسئله اعتبار و ريزش داده ها.

نتیجه‌گیری

فحشا به عنوان نوعی رابطه جنسی بی‌قاعده (بی‌ثباتی رابطه)، مزدورانه (ابعاد پولی و تبدیل شدن به شیء قابل فروش در بازار) و تحت شرایط بی‌تفاوتی عاطفی (عدم وجود پیوند احساسی با لذت جنسی) گفته می‌شود که البته علاوه بر ابعاد فوق، پرداختن به فعالیت جنسی به عنوان شخصیت حرفه‌ای، تکمیل‌کننده این تعریف است²⁰. فحشای زنان و عمل زن خیابانی، معلول هر علتی باشد، در بستر اجتماع شکل می‌گیرد. جامعه در حال گذار ایران در وضعیت تجربه مدرنیته، والدین و خانواده را شدیداً با تعاملات اقتصادی و اجتماعی درگیر کرده و این افراد به تبع آن، زمان بیشتری را به جامعه اختصاص می‌دهند. از طرفی خارج شدن ارزش‌ها، هنجارها و الگوهای نامناسب تربیتی از چارچوب زمان و مکان در عصر اطلاعاتی، در شرایط فقدان دقت، آگاهی و هوشیاری والدین از خانواده و اثرگذاری مثبت آن جز پیکر بی‌جانی برجای نگذاشته است. در جوامع مدرن برای جلوگیری از آسیب ناشی از این وضعیت، به‌طور همزمان برای گذار تدریجی و منطقی، نهادهای مدنی به جبران خلاء اخلاقی - تربیتی و مواجهه صحیح با بی‌هنجاری‌ها و بحران تهاجم فرهنگی می‌پردازند؛ اما در جامعه ایران چنین شرایطی برای ایفای مسئولیت‌های تربیتی، ایجاد نشده است و خانواده‌ها نیز در این زمینه توجه لازم را نشان نمی‌دهند. فرزندان که در چنین فضایی به عرصه اجتماع وارد می‌شوند، نه تنها حامل ارزش‌های سنتی خانواده نیستند، بلکه از نظر ارزش‌های بزرگ‌تر ملی و مذهبی نیز دچار تعارض هستند و با مقوله‌ای به نام بحران هویت مواجهند.

خانواده‌های زنان خیابانی مورد بررسی در این تحقیق، سرمایه فرهنگی و اقتصادی بسیار کمی را به فرزندان خود منتقل می‌کردند و از طرفی به سبب مشکلات عدیده، میزان صمیمیت اعضای خانواده در حداقل ممکن می‌باشد؛ به همین دلیل فرزندان نسبت به خانواده‌یشان کمترین احساس عاطفی را داشته و این امر، امکان بیشتری را در فرار از خانه و زیست مستقل و نابهنجار برای آنها فراهم کرده است.

با توجه به رابطه معنادار بین سرمایه اقتصادی (نوع شغل والدین و منزل مسکونی) می‌توان گفت فرزندان که برای تأمین نیازها به خانواده متکی هستند، در شرایط ناکامی

والدین در رفع نیازها و تغییر و پیدایش بی‌وقفه نیازهای جدید، زمینه انحراف آنان تقویت می‌شود و فقدان ظرفیت‌های لازم مالی برای دستیابی به اهداف، گزینه‌ی وسایل نامشروع را به فرد نشان می‌دهد. شواهد نشان می‌دهد که خانواده عامل بسیار مهمی در فراهم آوردن شرایط اولین تماس جنسی زن خیابانی و شروع تماس جنسی نامشروع در سنین پایین محسوب می‌شود.

با توجه به تأثیر شدید سرمایه اجتماعی خانواده در انحراف دختران و زنان، می‌توان گفت در واقع کج‌رفتاری وقتی اتفاق می‌افتد که فرد نسبت به قید و بندهای اجتماعی کم‌اعتنا یا بی‌اعتنا باشد. جامعه‌ای که میان اعضای آن وابستگی متقابل قوی وجود نداشته باشد، قادر به اعمال کنترل اجتماعی بر روی اعضایش نخواهد بود. در چنین شرایطی روابط از حالت تعادل خارج می‌شود و مشکلات یکی پس از دیگری بروز پیدا می‌کنند.

بنابراین می‌توان خیابانی شدن زنان و دختران را تا حد زیادی ناشی از نابسامانی خانواده و جامعه دانست. خانواده نابسامان قادر به ایفای وظایف و کارکردهای یک خانواده سالم نیست و در ایفای نقش و کارکرد فرآیند جامعه‌پذیری اعضایش، اختلال ایجاد می‌کند که منجر به کم‌رنگ شدن تعهدات افراد نسبت به ماندن در محیط خانه می‌شود. این امر باعث می‌شود به مرور زمان و بر اثر فشار شرایط موجود، فرد تصمیم به قطع پیوند خود با خانواده و ترک آن بگیرد.

منابع

- بیات، بهرام (1387). فراتحلیل آسیب‌های اجتماعی. معاونت اجتماعی نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران.
- چلبی، مسعود (1375). جامعه‌شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نشر نی.
- خاکپور، محمدمهدی (1354). جرم‌شناسی زنان. مؤسسه عطایی.
- روح الامینی، محمود (1365). زمینه فرهنگ‌شناسی. تهران: انتشارات عطار، چاپ دوم.
- روزن‌بام، هایدی (1373). خانواده به منزله ساختاری در مقابل جامعه. محمدصادق مهدوی، تهران: نشر دانشگاهی.
- ستوده، هدایت الله (1378). آسیب‌شناسی اجتماعی. چاپ پنجم، تهران: انتشارات آوای نور.
- صدیق سروستانی، رحمت‌ا... (1372). فاصله فروماندگی تا فرومایگی. مؤسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی.
- علیایی‌زند، شهین (1381). عوامل زمینه‌ساز تن‌دادن زنان به روسپی‌گری. انجمن جامعه‌شناسی ایران، اولین همایش آسیب‌های اجتماعی.
- فرمانفرمایان، ستاره (1349). روسپی‌گری در تهران. آموزشگاه عالی خدمات اجتماعی.
- قریب، مینا (1385). شناخت معیارهای همسرگزینی در میان دانشجویان دانشگاه تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه تهران.
- کامکار، مهدیس (1383). زنان خیابانی، قربانیان خانواده آشفته. اجتماع، شرایط اقتصادی و بی‌هویتی، چشم انداز ایران، شماره 27.
- کلاین‌برگ، اتو (1369). روان‌شناسی اجتماعی. ترجمه علی‌محمد کاردان، جلد دوم، تهران: نشر اندیشه.
- کامرانی فکور، شهربانو (1381). بررسی مقایسه‌ای خصوصیات روان‌شناختی زنان ویژه با زنان عادی. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تربیت مدرس.
- کوزر، لوییس؛ برنارد، روزنبرگ (1383). نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناسی، ترجمه فرهنگ ارشاد، نشر نی.
- گود، جی ویلیام (1352). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا صالحی، بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- گود، ویلیام. جی (1352). خانواده و جامعه. ترجمه ویدا ناصحی، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

- مانسینی، ژان گابریل (بی تا). فحشاء و واسطه‌گی. ترجمه فروغ شهاب، سازمان نشر فرهنگ انسانی.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1383). وندالیسم. تهران: انتشارات آن.
- محسنی تبریزی، علیرضا (1370). نظریه‌های روان‌شناسی اجتماعی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مقنی‌زاده، محمدحسن (1375). بررسی مشارکت دانش‌آموزان در فعالیت‌های فوق‌برنامه با تأکید بر مطالعه در دبیرستان‌های مناطق 3.
- ممتاز، فریده (1381). انحرافات اجتماعی، نظریه‌ها و دیدگاه‌ها. شرکت سهامی انتشارشهر تهران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه تربیت مدرس.
- F. Adler/H.M. Adler, (1979). "Female Delinquency: Minor Girls and Major Crimes", in: D.H. Kelly, Deviant Behavior, New York, p. 523
- Lucchini, R(1994). THE STREET GIRL. PROSTITUTION FAMILY AND DRUG.
- M.B. Clinard /R.F. Meier, "Sociology of Deviant Behavior", New York 1979, p. 394
- S. Roggenbuck(1993). "Strassenkinder in Lateinamerika", Frankfurt am Main, pp. 104-105
- Coleman, J. S. (1988). "Social Capital in the Creation of Human-Capital", American Journal of Sociology, 94, S95-S120.
- D. Conto de Knoll(1991). "Die Strassenkinder von Bogotà" , p. 141
- Downey, D.B. (1995). When bigger is not better: family size, parental resources, and children's educational performance. American Sociological Review, 60, 746-761.
- Ream, R. (2005). Toward understanding how social capital mediates the impact of mobility on Mexican-American achievement. Social Forces 84 (1) , 201-224.
- S.Ph. Morgan. (1993). "Third World Urbanization, Migration, and Family Adaptation",in: J.D. Kasarda, Third World Cities. Problems, Policies and Prospects, London, p. 246.
- Lexicon of contemporary English.mac arther.1981
- Lyman, d,Michael and gray,w,potter. (2000/97). organized crime.prenyice hall.second edition.
- Valniw, veniamin.(2001). news letter. Harm reduction in Russia. A brief overview of the situation. among sex workers.2203/English issue.